

دربارهٔ بیتی شوب به لیبی در فرهنگها

مجید منصوری* (دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکدهٔ ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه اراک، اراک، ایران)

چکیده: در بیشتر فرهنگ‌های کهن فارسی شاهد‌های شعری بسیاری همراه با نام سراینده‌گان آن‌ها در ذیل واژه‌ها و ترکیب‌ها آمده‌است. این سنت ارزشمند، افزون بر ارزش‌های لغوی، گاه سبب شده بیت‌هایی از دیوان‌های برادررفتهٔ شاعران کهن فارسی از دستبرد حوادث و فتنه‌های روزگار در امان ماند و مانند گنجینه‌ای ارزشمند به دست ما برسد. لیبی از شاعرانی است که در فرهنگ‌ها شاهد‌های پرشماری از شعرهای وی آورده شده‌است. در این پژوهش ضبط بیتی از او در فرهنگ‌ها را بررسی کرده‌ایم و کوشیده‌ایم بر پایهٔ قرینه‌های درون‌متنی و برون‌متنی، پیشنهاد تازه‌ای برای تصحیح آن مطرح کنیم.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، شاهد، لیبی، تصحیح

بر روی پزشکی زن میندیش چون بود درست بیسیارت

(نفیسی ۱، ج ۳، ص ۱۰۵۲)

این بیت که در فرهنگ‌ها به شاهد پزشکی و پیشیار / بیسیار با تفاوت‌های جزئی ضبط شده، غالباً به لیبی و در مواردی به رودکی نسبت داده شده‌است. سعید نفیسی بر پایهٔ یکی از دست‌نویس‌های لغت فرس بیت را به نام رودکی ثبت کرده‌است (نفیسی ۲، ص ۵۴۹) و به تبع آن، در بیشتر چاپ‌های رودکی نیز آورده شده‌است (رودکی ۱، ص ۷۰؛ رودکی ۲، ص ۶۶؛ امامی، ص ۷۰؛ رودکی ۳، ص ۸۴)، در لغت‌نامه نیز ذیل بیسیار به رودکی نسبت داده شده (دهخدا و همکاران) و ذیل پیشیار به نام لیبی آورده شده‌است (همان)، در لغت فرس تصحیح عباس اقبال، بیت مذکور ذیل پیشیار

سرودهٔ لبیبی دانسته شده است (اسدی طوسی، ص ۱۲۸)، در فرهنگ قواس به اسدی طوسی نسبت داده شده است: «پیشیار: پیشاب زحمت که در شیشه کنند و بر طیب برند. اسدی طوسی گوید: بر روی پچشک زین میندیش چون هست درست پیش آرت» (قواس غزنوی، ص ۱۶۵)،

حسین وفایی (ص ۵۱) نیز در فرهنگ خود بیت را ذیل شاهد پیشیار به نام لبیبی آورده است: «پیشیار: دو معنی دارد: اول، شاش را گویند. لبیبی گفته: بر روی پزشک زین میندیش چون هست درست پیشیارت»

در کتاب شاعران بی دیوان نیز به نام لبیبی آمده:

بر روی پزشک زن میندیش چون بود درست پیشیارت

و مدون کتاب در حاشیه نوشته: «پزشک را پس بزن» (مدبری، ص ۴۷۷؛ نیز، ← رواقی، ص ۹۶)، و شارحان دیگر نیز همین معنی را برای مصرع نخست ذکر کرده‌اند (رودکی ۱، ص ۷۰؛ امامی، ص ۷۰؛ رودکی ۳، ص ۸۴)، دهخدا در امثال و حکم، بیت را به نام رودکی ثبت کرده و نوشته است: «خلاف: چو به گشتی طیب از خود میازار / چراغ از بهر تاریکی نگه دار» (دهخدا ۲، ج ۱، ص ۴۲۱). البته در این تحقیق قصد نگارنده بررسی سرایندهٔ بیت یادشده نیست، بلکه سخن اصلی دربارهٔ اشکال در ضبط مصرع نخست بیت است. «بر روی کسی زدن» بدون مفعول‌هایی مانند «شمشیر» و «مشت» از لحاظ ویژگی‌های سبک‌شناسانه با شعر کهن فارسی هم‌خوانی ندارد و بیت براساس ضبط فرهنگ‌ها و به تبع آن در دیوان رودکی زیبایی خود را از دست داده است. به نظر می‌رسد صورت درست بیت لبیبی یا رودکی احتمالاً چنین بوده است:

بر روی پزشک ری میندیش چون بود درست پیشیارت

فعل ریستن به معنی «پلیدی افکندن» در زمان‌های حال ساده به صورت «ریم، ری، ری، ری و...» و در حالت امری به گونهٔ «بری و ری» آورده می‌شده است (منصوری، ص ۳۶۲)، صورت امری این فعل در شاهد زیر از اسرارالتوحید نیز آمده است: «اندیشه کردم که از حق سبحانه و تعالی درخواهم تا از جهت من سنگ را زر گردانند... گفتم خداوندا، این سنگ‌ریزه‌ها را زر گردان! چون چند بار بگفتم، از گوشهٔ خانه آوازی شنیدم که نهمار برویش ری! چون آن مرد این کلمه بگفت، حالی شیخ ما را بسط پدید آمد... و آستین می جتبانید و می گفت: نهمار برویش ری! حالتی خوش پدید آمد» (محمدبن منور، ج ۱، ص ۵۲).

شفیعی کدکنی دربارهٔ ضبط «برویش ری» در تعلیقات اسرارالتوحید چنین نوشته است: «تصور می‌کنم ضبط اساس که «برویش» دارد از نسخه‌بدل‌ها که «بروتش» دارند مناسب‌تر باشد، گذشته از

گوشه‌وکنایه‌ای که به پررویی و رو داشتن طرف دارد و گذشته از هماهنگی صوتی آن در ترکیب «برویش ری»، حذف حرف اضافهٔ به یا بر در این دوره از زبان بسیار بعید است» (همان، ج ۲، ص ۴۹۶).

همان‌گونه که در عبارت یادشده از اسرارالتوحید احتمال تصحیف «بررویش» به «بروتش» وجود دارد، در بیت منسوب به رودکی نیز احتمال تصحیف «بر ریش» به «بر روی» نیز قابل طرح و بررسی است. با این اوصاف، تصحیح بیت به گونهٔ زیر خواهد بود:

بر ریش پزشک ری (رین) میندیش چون بود درست پیشیارت

نگاه بدبینانه به پزشکان و ناز ایشان در ادب فارسی شاهدهای بسیاری دارد. در این بیت خاقانی حتی بر روی طیب مهربان نیز خاک افشاند می‌شود:

بر حقند آنان که با عیسی نشستند از رشک خاک بر روی طیب مهربان افشاندند

(خاقانی، ص ۱۰۹)

بر روی و ریش و سبلت دشمنان و بدسگالان ریستن و مانند آن در دیوان شاعران کهن نمونه‌های بسیار دارد. رودکی در جای دیگر گفته‌است:

ناگاه برآرند ز کنج تو خروشی گردند همه جمله و بر ریش تو شاشند

(رودکی، ص ۷۷)

سوزنی سمرقندی نیز چنین گفته‌است:

گویی پسره گوی هنر برد ز اقران بر سبلت اقرانش ری ار مُرد و اگر ماند

(سوزنی، ص ۲۴)

ریشت بکنم بشنو تا باز برآری نو بر سبلت خود ری رو آخر چه سبالست این

(سوزنی، ص ۴۰۳)

ندارم مهر تو یک جو ندانم کهنه‌ای یا نو به‌ریش خویش ری و رو که درماندی برید ای جان

(سوزنی، ص ۴۰۵)

شاهدهای زیادی هم البته در شعر سنایی دارد:

اکنون که دمید ریش چون حشیش تیزم بر ریش اگر ریم بر ریش

(سنایی، ص ۱۱۲۳)

نتیجه‌گیری

در فرهنگ‌ها بیت زیر منتسب به لیبی برای شاهد پیشیار و گاه پزشک آمده است:
بر روی پزشک زن میندیش چون بود درست بیسیارت

در این پژوهش بر پایهٔ قرینه‌های درون‌متنی و برون‌متنی و با استفاده از متن‌های ادب فارسی پیشنهادی برای تصحیح قیاسی مصراع نخست این بیت مطرح گردید و نشان داده شد که «زن» در مصراع نخست احتمالاً گشتگی و تصحیف ری به معنی «ریستن» است و با این نوشتار، بیت استحکام نحوی و معنایی خود را باز می‌یابد و زیبایی‌اش چند برابر می‌شود.

منابع

- اسدی طوسی، ابومنصور، لغت فرس، به تصحیح عباس اقبال، تهران، چاپخانهٔ مجلس، ۱۳۱۹.
- امامی، نصرالله، استاد شاعران رودکی، تهران، جامی، ۱۳۸۳.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل، دیوان، به تصحیح ضیاء‌الدین سجادی، تهران، زوار، ۱۳۷۸.
- دهخدا، علی‌اکبر و همکاران، لغت‌نامه، تهران، مؤسسهٔ لغت‌نامهٔ دهخدا، ۱۳۷۷.
- دهخدا، علی‌اکبر، امثال و حکم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳.
- رواقی، علی، سروده‌های رودکی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۹.
- رودکی، جعفر بن محمد (۱)، دیوان، تصحیح و شرح جعفر شعار، تهران، قطره، ۱۳۸۲.
- رودکی، جعفر بن محمد (۲)، دیوان، شرح و توضیح منوچهر دانش‌پژوه، تهران، توس، ۱۳۸۳.
- رودکی، جعفر بن محمد (۳)، دیوان، توضیح و تحلیل کامل احمدنژاد، تهران، کتاب‌آمه، ۱۳۹۱.
- سنایی غزنوی، دیوان، به اهتمام مدرس رضوی، تهران، سنایی، ۱۳۸۵.
- سوزنی سمرقندی، دیوان، به تصحیح ناصرالدین شاه‌حسینی، تهران، چاپخانهٔ سپهر، ۱۳۳۸.
- شعار، جعفر و انوری حسن، گزیدهٔ اشعار رودکی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- قواس غزنوی، فخرالدین مبارکشاه، به اهتمام نذیر احمد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳.
- محمد بن منور، اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، آگه، ۱۳۸۸.
- منصوری، یدالله، بررسی ریشه‌شناختی فعل‌های زبان پهلوی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۵.
- نفیسی، سعید، احوال و اشعار رودکی، تهران، ادب، ۱۳۱۹.
- نفیسی، سعید، محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، تهران، طهوری، ۱۳۸۲.
- وفایی، حسین، فرهنگ فارسی، ویراستهٔ تن هوی جو، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.